

Cinematic Lighting Techniques in the Holy Qur'an Verses

Posthumous Scenes in Focus

Amene Forouzan Kamali*

Rasoul Balavi**

Abstract

Comparing the Qur'anic scenes with the meaning-making techniques in cinema, including the "lighting" technique, is one of the areas studied in interdisciplinary research in literature and cinema. As a valuable literary work, the Holy Qur'an contains stories filled with literary scenes and images. This valuable work has sometimes benefited from the use of light and lighting to persuade and attract audiences and better understand the concepts. The present study aims to identify the lighting effects of the posthumous scenes in the Holy Qur'an and its role in persuading the audience. Employing a descriptive-analytical research method, the research aims to study the lighting of the posthumous scenes in the Holy Qur'an to determine the extent of the influence of light on the audience's mind through visual senses and the message transmission of such scenes in the verses of the Holy Qur'an. The findings indicate that the Holy Qur'an conveys the messages and creates attractions in the audience's mind and beliefs in the light channel. Using lighting in the posthumous scenes in the Holy Qur'an results in increased attention, understanding, improvement, and perception of the message coming from the scene display in the audience's mind and beliefs.

Keywords: the Holy Quran, posthumous scenes, cinematic techniques, lighting.

* Ph.D. Student, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, a.forouzank@gmail.com

** Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr (Corresponding Author), r.ballawy@pgu.ac.ir

Date received: 01.08.2020, Date of acceptance: 21.09.2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

کارکرد تکنیک‌های نورپردازی سینمایی در آیات قرآن کریم

با تمرکز بر صحنه‌های پس از مرگ

آمنه فروزان کمالی*

رسول بلاوی**

چکیده

مقایسه صحنه‌های قرآنی با شگردهای خلق معنا در سینما از جمله شگرد "نورپردازی"، یکی از حوزه‌های مورد مطالعه در تحقیقات میان‌رشته‌ای ادبیات و سینما است. قرآن کریم در بردارنده حکایات و داستان‌هایی است که سرشار از صحنه‌ها و تصاویر ادبی است. این اثر ارزشمند گاه با استفاده از نور و نورپردازی در زمینه اقتناع و جذب مخاطب و درک بهتر مفاهیم بهره برده است. هدف از پژوهش حاضر شناسایی جلوه‌های نورپردازی صحنه‌های پس از مرگ در قرآن کریم و نقش آن در اقناع مخاطب است.

در این پژوهش بر پایه روش توصیفی - تحلیلی در صدد بررسی نورپردازی صحنه‌های پس از مرگ در قرآن کریم هستیم تا از این رهگذر به میزان تأثیرگذاری نور بر ذهن مخاطب از طریق حس بصری و نیز میزان انتقال پیام این گونه صحنه‌ها در آیات قرآن کریم دست یابیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم به انتقال پیام و ایجاد جذابیت در ذهن و باور تماشاگر و مخاطبان در مجرای نور پرداخته است. استفاده از نورپردازی صحنه‌های پس از مرگ در قرآن کریم افزایش میزان توجه، درک، بهبود و دریافت مفهوم پیام حاصل از نمایش صحنه را در ذهن و باور خواننده در پی دارد.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، a.foruzank@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، r.ballawy@pgu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، صحنه‌های پس از مرگ، تکنیک‌های سینمایی، نورپردازی.

۱. مقدمه

در مطالعات میان‌رشته‌ای، شناخته‌ترین شکل رابطه میان دو هنر سینما و ادبیات، مسأله "اقتباس" است. بی شک درصد زیادی از آثار سینمایی جهان، اقتباس از ادبیات است و اقتباس ادبی adaptation به معنای گرفتن بخش‌هایی از رمان یا داستان ادبی برای ارائه به ابزار بیانی سینماست؛ «از فواید مطالعات تطبیقی اقتباس، دست یافتن به درک کامل از پدیده هنری در ضمن مقایسه آن با سایر هنرها است» (حیاتی، ۱۳۹۴: ۷۳). اجزای روایی در داستان یعنی طرح، زمان، مکان، شخصیت، زاویه دید، و درون مایه، در فیلم نیز از عناصر سازنده و اصلی است. «فیلم داستانی به این معنا روایت است که داستانی را نقل می‌کند اما اختلافش با داستان ادبی این است که داستانش را به شکل سینمایی بیان می‌کند» (لوتیه، ۱۳۸۸: ۲۱). بنابر این تعریف از روایت، نقطه مشترک میان گونه ادبی و گونه سینمایی، داشتن "داستان" است.

در اثر تبادل و تعامل ادبیات و سینما، داد و ستدهایی بین این دو هنر صورت گرفته است که در این میان سینما رنگ و بویی تازه به متن مکتوب ادبی بخشیده و در ورای آن تحرک و پویایی ایجاد کرده است. یکی از بارزترین این اثربخشی‌ها، "نورپردازی" است که از اساسی‌ترین تکنیک‌های سینمایی است. قرآن کریم نیز به مثابه یک اثر ارزشمند مکتوب، فراتر از رمان و نمایش‌نامه است که می‌توان به بررسی این شگرد سینمایی "نورپردازی"، در برخی آیات آن پرداخت. بسیاری از ناقدان در نظریه‌پردازی درباره تصویر از تصویر قرآنی غفلت ورزیده‌اند و به پدیده‌های تصویر هنری قرآن کریم، موسیقی، تشخیص و تجسیم برای قریب به ذهن کردن حقایق دینی توجه کافی نداشتند. (راغب، ۱۴۲۲: ۳۸-۳۹) نظر به اهمیت رویکرد میان رشته‌ای به عنوان روش و رویکردی جدید که امروزه در میدان علم نهادینه شده است، این پژوهش بر آن است تا از دریچه‌ای نو به بررسی یک جنبه از زوایای پنهان قرآن کریم بپردازد تا از این رهگذر دری تازه بر روی علاقه‌مندان و شایسته‌گان آن بگشاید.

آشنایی با نورپردازی در آیات قرآن کریم و کشف دلالت‌ها، جلوه‌ها و کارکردهای آن از اهداف این پژوهش به شمار می‌آیند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در صدد پاسخگویی به سوالات زیر است: مؤلفه‌های نورپردازی سینمایی در قرآن کریم

کدامند؟ در قرآن کریم نورپردازی چگونه در نمایش صحنه‌های پس از مرگ و انتقال معنای آن به مخاطب مؤثر بوده است؟ ویژگی‌ها، مصادر و کارکردهای نورپردازی در قرآن کریم کدامند؟

بر این اساس پژوهش در بخش نخست، تعریفی کلی از نورپردازی سینمایی ارائه می‌دهد. در قسمت دوم نیز به بررسی کلی نورپردازی در قرآن کریم پرداخته می‌شود. مبحث سوم پژوهش نیز تطبیق جلوه‌ها و مبانی نورپردازی سینمایی در آیات دربردارنده صحنه‌های پس از مرگ در قرآن کریم است که خود شامل سه بخش؛ صحنه‌های در آستانه قیامت، صحنه‌های مربوط به بهشت و مومنان و صحنه‌های مربوط به جهنم و کافران است.

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه نورپردازی در سینما تاکنون پژوهش‌هایی به چاپ رسیده است، از آن جمله کتاب *نورپردازی در سینما* (۱۳۷۰) نوشته کریس مالیکه و بیچ است که در واقع گفتگویی با مدیران فیلمبرداری، فیلمبرداران و نورپردازان طراز اول سینمای جهان است و در آن مسائلی چون شناخت امولسیون فیلم، نوردهی متناسب با آن، طراحی حرکات دوربین و نورپردازی صحنه بر اساس ایده کارگردان مطرح می‌شود. همچنین کتاب *راهنمای نورپردازی* (۱۳۹۲) اثر شون ویلیام تاگر را می‌توان نام برد که شامل سی و شش بخش است و هر بخش به یکی از جنبه‌های فیلمبرداری اختصاص دارد. اما در ارتباط با ادبیات و سینما، پایان‌نامه‌ای تحت عنوان "بررسی اقتباس از ادبیات داستانی معاصر برای تلویزیون و سینما در ایران" از محمدی در سال ۱۳۸۹ نگاشته شده است که بیشتر به شیوه ژورنالیستی است و به آسیب‌شناسی فیلم‌نامه‌نویسی در سینما و تلویزیون پرداخته است. در پایان‌نامه "رمان و فیلم (نگاهی به اقتباس سینمای ایران از رمان فارسی)" اثر حمیدی فعال نیز که در سال ۱۳۹۱ به سرانجام رسیده است نظرها و مباحثی کلی در خصوص پیوند و تعامل ادبیات و سینما و چگونگی تاثیر و تاثر این دو گونه مطرح شده است. در بررسی موردی "ساختار روایی داستان و فیلم شازده احتجاج" نیز که ابهری و دیگر نویسندگان در فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی سال ۱۳۹۵ به چاپ رسانده‌اند به بررسی تطبیقی داستان و فیلم "شازده احتجاج" پرداخته شده است.

شایان ذکر است که در زمینه نورپردازی سینمایی در یک اثر ادبی به شکل خاص، مقالاتی در ادبیات عربی نگاشته شده است که از این میان می‌توان به مقاله "لغة الإضاءة

(مقاربه تأویلیه فی روایة موت الأب) " زبان نورپردازی (رویکرد تفسیری در رمان مرگ پدر)"، از ماجد عبدالله مهدی القیسی که در مجله جامعۀ تکریت للعلوم الإنسانیة به چاپ رسیده است، اشاره کرد. در حوزه تصویرپردازی هنری نیز مقالاتی در خصوص آیات بهشت و جهنم نگاشته شده است که از آن جمله مقالات «تصویرپردازی هنری آیات بهشت و جهنم در قرآن کریم» از رسول بلاوی و همکاران، سال ۱۳۹۵، در فصلنامه قرآنی کوثر؛ «بررسی و تحلیل تصویر هنری در قرآن کریم مطالعه موردی آیات بهشت و جهنم» از محمد غفوری فر و علیرضا حسینی، در سومین همایش ملی زبان، ادبیات و بازشناسی مشاهیر و مفاخر، ۱۳۹۷ تربت حیدریه و نیز مقاله «تحلیل عناصر تصویر هنری در آیات مربوط به حیات بعد از مرگ» از عباس اقبالی و بتول قربانی، در سال ۱۳۹۲، دو فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، را می‌توان نام برد. نویسندگان در این مقالات به تحلیل و بررسی مؤلفه‌های تصویرپردازی از طریق تشبیه، مجاز، استعاره و ...، در آیات بهشت و جهنم پرداخته‌اند. چنانکه از عناوین پژوهش‌های مذکور پیداست در هیچ یک از آن‌ها در باب نورپردازی سینمایی آیات قرآن کریم بررسی صورت نگرفته است و نیز شایان ذکر است که به طور کلی در زمینه نورپردازی سینمایی در آثار ادبیات فارسی به پژوهشی دست نیافتیم. لذا این پژوهش با عنوان "تکنیک‌های نورپردازی سینمایی در آیات قرآن کریم (با تمرکز بر صحنه‌های پس از مرگ)"، در زبان فارسی و مطالعات قرآنی در نوع خود بدیع و تازه است.

۳. نورپردازی سینمایی

آنچه که بر پرده سینما به نمایش درمی‌آید و حس‌های مختلف را به بیننده منتقل می‌کند، توسط ثبت نورها، سایه روشن‌ها و رنگ‌مایه‌های گوناگون کنترل شده بر روی امولسیون فیلم است و این همان هنر ویژه‌ای است که در سینما به آن نورپردازی می‌گویند و یکی از اساسی‌ترین وظایف یک مدیر فیلمبرداری است. نورپردازی، هنری پویا و در حال تحول است. «بخش عمده‌ای از تاثیرگذاری تصویر ناشی از کار نورپردازی آن است. در سینما، نورپردازی چیزی فراتر از نورتاباندن به اشیا فقط برای نمایاندن آنهاست. بخش‌های روشن‌تر و تیره‌تر درون قاب به ساخته شدن ترکیب‌بندی هر نما کمک می‌کند» (بوردل و تامسون، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

محور مقایسه در سینما و ادبیات تصویر است و نورپردازی همیشه با تصویربرداری همراه بوده است؛ «نورپردازی محیط داستان‌گویی را خلق می‌کند و این را نباید هرگز فراموش کنیم که اصل فیلم سازی داستان‌گویی با تصاویر است» (براون، ۱۳۹۱: ۴). نورپردازی سینمایی به دو شکل انجام می‌شود؛ نورپردازی طبیعی مانند نور خورشید و مهتاب، و نورپردازی صنعتی مانند نور پروژکتورها، آباژورها و چراغ‌ها. نورپردازی طبیعی از لحاظ رنگ به طور مداوم و به شدت تغییر می‌کند و در اثر این تغییرها نحوه نمایش همه چیز در تصویر دچار تغییر می‌شود. بنابر این میزان نور با توجه به فصل و زمان روز و نیز با توجه به نوع آب و هوا تغییر می‌کند و در پی تغییر نور دریافت ما از پیام هم تغییر می‌یابد.

۱.۳ مؤلفه‌های نورپردازی

مهم‌ترین مؤلفه‌های نورپردازی که به دریافت پیام‌های بصری کمک می‌کنند عبارتند از:

الف) کیفیت نور: کیفیت نور بیش از هر چیز به ماهیت منبع آن مربوط می‌شود. بین نور سخت سایه‌ساز و نور نرم پراکنده بدون سایه آمیزه‌های بیکران وجود دارد. «کیفیت نور عبارت است از ارزیابی ذهنی از توانایی نور در تأکید یا عدم تأکید بر کتراست در یک سوژه» (ویلیام تاگر، ۱۳۹۲: ۵۰).

ب) جهت نور: جهت به مسیری اشاره می‌کند که نور را به سوژه می‌تابانیم. جهت، نیاز مبرم نورپردازی است؛ نور جلویی، پشتی، پایین و بالا از جمله این موارد هستند (ر.ک: موسوی، ۱۳۹۳: ۴).

ج) منبع نور: منبعی است که نور را تولید می‌کند.

د) شدت نور: نور ممکن است شدید، نرم یا درجاتی بین این دو حالت باشد. نور شدید و قوی از ناحیه یک منبع کوچک به وجود می‌آید و نور نرم از منبع بزرگ. قوی‌ترین و شدیدترین منبع نوری شناخته شده در طبیعت نور آفتاب در وسط روز است. اما آسمانی که سراسر ابری باشد نیز به نوبه خود نرم‌ترین منبع نوری محسوب می‌شود. انگار که پارچه‌ای پراکنده‌ساز نور را از افق تا افق گسترده باشیم. نور در این حالت از تمام جهات تابیده و در نتیجه سایه‌ها را محو می‌کند (مالیکه ویچ، ۱۳۷۰: ۱۶۸).

ه) رنگ نور: رنگ یک انعکاس مرئی است که در اثر عبور یا انتشار یا بازتاب ترکیب رنگ‌ها توسط اشیاء به وجود می‌آید.

از نظر گروتز از میان مؤلفه‌های نورپردازی، میزان شدت نور مهمترین عامل به حساب می‌آید زیرا بدون نور نه جایگاه و نه رنگ قابل تشخیص نیستند (گروتز، ۱۳۹۳، ۲۶۳).

۴. درآمدی بر نورپردازی در قرآن کریم

اولین و ساده‌ترین تجربه ما از نور، همان نور حسی است اما نور در قرآن کریم یا معقول است که با چشم بصیرت درک می‌شود، مانند نور الهی در آیه: (قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ) (مائده: ۱۵) و یا محسوس است و با چشم قابل رؤیت است، مانند نور خوشید و ماه در آیه: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا) (یونس: ۵) در متداول‌ترین تعریف نور آمده است، نور حقیقتی است که به ذات خود ظاهر باشد و غیر را هم ظاهر سازد. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳۲۱/۱۴؛ صاحب، ۱۴۱۴: ج ۲۵۰/۱۰). اطلاق نور به معقولات هم از همین باب است و به هر حقیقت معنوی، که این دو ویژگی را داشته باشد، نور گفته شده است.

بنابر این منابع نور در قرآن، گاه مومنان، اسلام، ایمان، نبوت و یقین است که از منابع نور غیر حسی و معقول هستند و گاه نیز خورشید و ماه و ستاره و آتش و نظیر آن است که از منابع نور حسی است. شایان ذکر است در قرآن کریم آیات دربردارنده لفظ "نور" قابل ملاحظه است؛ چنانکه ۱۷۴ آیه در ۶۲ سوره قرآن دربردارنده این لفظ هستند، اما از این موارد تنها تعداد اندکی بر نورپردازی حسی دلالت می‌کنند. منظور از نورپردازی سینمایی در قرآن کریم جنبه حسی و عینی لفظ نور و هر چیزی است که به نوعی سبب القاء مفهوم نورپردازی شود، چنانکه واژگانی چون: "صاعقه، رعد، لیل، نهار، نار، ظلمات، ظل، غداوه، عشی، شمس، قمر، سحاب، بکره، اصیل، نجم، کوكب، السماء، فلق" در قرآن همگی دربردارنده این مفهوم هستند. با توجه به حجم وسیع این گونه الفاظ و صحنه‌ها در قرآن کریم پرداختن به مبحث نورپردازی به طور کلی در این اثر ارزشمند چارچوبی فراتر از مقاله می‌طلبد، لذا ما در این میان به بررسی نورپردازی در صحنه‌های پس از مرگ در قرآن کریم خواهیم پرداخت که خود شامل سه صحنه؛ قیامت، بهشت و جهنم است.

۵. نورپردازی صحنه‌های پس از مرگ در قرآن کریم

چنانکه ذکر شد صحنه‌های پس از مرگ در قرآن به سه بخش؛ ۱- صحنه‌های در آستانه قیامت، ۲- صحنه‌های مربوط به بهشت و مومنان ۳- صحنه‌های مربوط به جهنم و کافران تقسیم می‌شوند. در هر صحنه منبع نور، رنگ نور، جهت و شدت نور و ارتباط آن‌ها با موضوع صحنه بررسی می‌شود.

۱.۵ صحنه‌های در آستانه قیامت

نورپردازی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود؛ یکی نورپردازی وقایع و حوادثی است که در قیامت رخ می‌دهد و دیگر نورپردازی چهره انسان‌ها در این رخداد عظیم است. ابتدا به ذکر آیات دربردارنده حوادث در آستانه قیامت و تحلیل نورپردازی در آن‌ها می‌پردازیم؛ در این قسمت به مهمترین پدیده‌های انقلابی آخر جهان، یعنی بی‌نور شدن ماه و خورشید اشاره شده است، به عنوان مثال در آیه ۱ سوره تکویر می‌فرماید: (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ) (تکویر: ۱) آنگاه که خورشید به هم درپیچید. "کورت" از ماده "تکویر" در اصل به معنای پیچیدن و جمع و جور کردن چیزی است، همچون پیچیدن عمامه بر سر، این مطلبی است که از کتب مختلف لغت و تفسیر استفاده می‌شود (ر.ک: ازهری، ۱۴۲۱ق: ج ۱۸۹/۱۰)، و گاه به "افکندن" یا "تاریک شدن" چیزی گفته شده (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ج ۲۸۰/۱۰) به نظر می‌رسد که این دو معنی نیز به همان ریشه اول باز می‌گردد. به هر حال منظور در اینجا پیچیده شدن نور خورشید، و تاریک شدن و جمع شدن حجم آن در آستانه قیامت است.

سپس خداوند متعال می‌افزاید: (وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ) (تکویر: ۲) و آنگاه که ستارگان همی تیره شوند. "انکدرت" از ماده "انکدار" به معنی "سقوط کردن و پراکنده شدن" است، و از ریشه "کدورت" به معنی "تیرگی و تاریکی" است، و جمع میان هر دو معنی در آیه مورد بحث امکان‌پذیر است، چنانکه سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن هر دو معنا را ذکر کرده است (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۳۸۳۸/۶)، همانگونه که در آیه ۲ سوره انفطار آمده: (وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَرَتْ) (انفطار: ۲) و آنگاه که اختران پراکنده شوند. و نیز در آیه ۸ سوره مرسلات آمده: (فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ) (المرسلات: ۸) پس وقتی که ستارگان محو شوند. و یا در آیه (وَخَسَفَ الْقَمَرُ / وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ) (قیامت: ۸-۹) آنگاه که ماه در

خسوف افتد/ و آفتاب و ماه به هم گرد آیند. با تاریک شدن خورشید ماه نیز تاریک می‌گردد، و در نتیجه کره زمین در ظلمت و تاریکی وحشتناکی فرو می‌رود، به این ترتیب خداوند سبحان با نورپردازی که در تیره شدن فضا صورت می‌گیرد، انقلاب و تحول عظیم قیامت و پایان جهان را توصیف می‌کند. این تصاویر قرآنی خیال را برمی‌انگیزند تا معنا را به کمک حس، وجدان، فکر و شعور بپذیرد و در ذهن مخاطب شکل دهد. (راغب، ۱۴۲۲: ۴۸-۴۹)

بنابر این منبع نور در تمام آیات مذکور که حکایت از صحنه‌های قیامت دارند خورشید و ماه هستند که نور خود را از دست می‌دهند و به تاریکی می‌گیرند. تصور ما از نور همواره با تصور رنگ همراه است. به گفته ویلیام تاکر «هر منبع نور دمای رنگی color temperature مخصوص خودش را دارد» (ویلیام تاکر، ۱۳۹۲: ۶). از آیاتی که تابلوی زیبای رنگینی از قیامت در آن خلق شده، آیه ۳۷ سوره مبارکه الرحمن است که این فضای تاریک را به رنگ سرخ معرفی می‌کند: (فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ) (الرحمن: ۳۷) پس آنگاه که آسمان از هم شکافتد و چون چرم گلگون گردد. آسمان روز قیامت به گل سرخ تشبیه شده است. طبرسی در توضیح "ورده" می‌گوید. کلمه ورده در این آیه به معنای «گل سرخ»، تداعی کننده سرخی آسمان هنگام قیامت است که وجه تشبیه همان گرم بودن و فعال بودن زیاد است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳۱۱/۹). قرمز شدن آسمان و شکافته شدن آن در آستانه قیامت حکایت از اوج گرما، هیجان و ترسی دارد که انسان‌ها را فرا می‌گیرد.

آیه‌ای دیگر نیز صحنه قیامت را در این فضای تیره چنین رنگ آمیزی می‌کند: (وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمُنفُوشِ) (القارعه: ۵) و کوه‌ها مانند پشم زده شده رنگین شود. طبق آیات مختلف قرآن کوه‌ها در آستانه قیامت نخست به حرکت درمی‌آیند بعد در هم کوبیده و متلاشی می‌گردند و سرانجام به صورت غباری در آسمان درمی‌آیند که در آیه مورد بحث آن را تشبیه به پشم‌های رنگین حلاجی شده کرده است، پشم‌هایی که همراه تندباد حرکت کنند و تنها رنگی از آنها نمایان باشد، و این آخرین مرحله متلاشی شدن کوه‌ها است. این تعبیر ممکن است اشاره به رنگ‌های مختلف کوه‌ها نیز باشد، چرا که کوه‌های روی زمین هر کدام رنگ خاصی دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۶۳/۲۷). این آیات نیز نورپردازی صحنه‌های قیامت بر اساس تشبیه صورت گرفته است. همانند کردن کوه‌ها به پشم زده شده رنگین، افزون بر تیرگی صحنه‌های قیامت، دلالت بر غبارآلوده شدن فضا نیز دارد.

اما بخش دوم صحنه‌های قیامت نورپردازی چهره انسان‌هاست که از موارد مهم نورپردازی سینمایی به شمار می‌آید. در سینما عوامل گوناگون صحنه در پرتو متفاوتی از نورها سنجیده می‌شود چنانکه گریم و نحوه آرایش و لباس هنرپیشگان نیز از این عوامل محسوب می‌شوند. بنابراین در نورپردازی، بافت و خصوصیات چهره بازیگران صحنه حائز اهمیت است، از این مسأله به عنوان یاری‌دهنده‌ای برای تبیین خصوصیت بصری یاد می‌شود (مالیکه ویچ، ۱۳۷۰: ۳۷).

نورپردازی چهره‌ها تاثیر بسزایی در تناسب نوردهی دارند؛ تناسب نوردهی «تفاوت سطوح روشنایی بین دو یا چند منطقه از صحنه است» (ویلیام تاگر، ۱۳۹۲: ۲۵). این تفاوت نوردهی در چهره انسان‌ها در قیامت مشهود است. چنانکه آیات زیر همه گویای این مطلب هستند: (وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ / ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ / وَوُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْنَا غَبْرَةٌ / تَرَهَقَهَا قَتْرَةٌ) (عبس: ۳۸-۴۱) در آن روز چهره‌هایی درخشانند / خندان و شادانند / و در آن روز چهره‌هایی است که بر آنها غبار نشسته / و آنها را تاریکی پوشانده است. و همچنین آیه: (لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتْرٌ وَلَا ذِلَّةٌ) (یونس: ۲۶) برای کسانی که کار نیکو کرده‌اند نیکویی بهشت و زیاده بر آن است چهره‌هایشان را غباری و ذلتی نمی‌پوشاند. کلمه "قتر" به معنای دودی است که از سوزاندن چوب حاصل می‌شود و کنایه از سیاهی است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۱۲۵/۵؛ ازهری، ۱۴۲۱: ج ۶۰/۹) در این آیات چهره نیکوکاران و گنه‌کاران در روز حساب توصیف شده است. نور پس زمینه در صحنه‌های قیامت با توجه به آنچه از خاموشی ماه و خورشید گفته شده است به رنگ تیره و کدری است و در واقع نورپردازی صحنه‌ها به سبک low key (مایه تیره) به معنای تسلط تیرگی‌ها بر سطح تصویر است؛ و با توجه به این آیات چهره درخشان مومنان در این فضای تیره و خاموش در کنار چهره دودآلود کافران نوعی تناسب نوردهی را در صحنه ایجاد می‌کند که با واقعیت موضوع در ارتباط و هماهنگ است.

در آیاتی دیگر از قرآن این تناسب نوردهی را می‌توان در رنگ چهره‌ها ملاحظه نمود همانند آیه: (يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ) (آل عمران: ۱۰۶) در آن روزی که چهره‌هایی سپید، و چهره‌هایی سیاه گردد. در این آیه سخن از قیامت و جدایی مردمان است که با رنگ چهره‌هایشان از هم متمایز می‌شوند. چهره‌های سفید چهره‌هایی نورانی و چهره‌های سیاه چهره‌هایی تاریک و ظلمانی هستند.

خداوند سبحان در آیه‌ای دیگر برای نشان دادن چهره گنه‌کاران در عرصه قیامت رنگ آبی تیره یا کبود و ارغوانی را به کار می‌گیرد. و این رنگ تنها یک بار به صورت مستقیم در قرآن به معنای حزن و اندوه، به کار رفته است: (يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا) (طه: ۱۰۲) روزی که در شیپور دمیده می‌شود؛ و خلافکاران را در آن روز، در حالی که (چشمانشان کور و) کبود است گرد می‌آوریم! واژه «زُرْقًا» در این آیه به معنای آبی پر رنگ یا کبود و ارغوانی است، این رنگ که از امواج رنگ‌باخته بنفش است احساس اضطراب و پریشانی را بیان می‌کند. استفاده رنگ ارغوانی توسط هنرمندان نقاش نشان‌دهنده ترس از علائم مرگ در ضمیر ناخودآگاه آنهاست. ارغوانی ترکیبی از بنفش و قرمز است (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۳).

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که آیات مربوط به صحنه‌های قیامت و تصاویر خلق شده از وقایع مهیب آن روز دارای دلالت‌های نورپردازی بوده و خداوند متعال به فراخور نیاز این صحنه‌ها را با استفاده از نور و نورپردازی همراه نموده است تا علاوه بر زیبایی و رونق این متن ارزشمند ادبی به حرکت، جنبش و پویایی تصاویر بیفزاید و آنها را تا حدود زیادی برای خواننده ملموس و قابل درک نماید.

۲.۵ صحنه‌های بهشت و مؤمنان

نور آفتاب منبعی است بسیار تند و متمرکز به همین دلیل قرآن کریم نور آفتاب را در صحنه‌های مربوط به بهشت به صورت طبیعی و بدون استفاده از تمهیدات و سطوح پراکنده‌ساز به کار نمی‌گیرد و از سطوح پراکنده‌سازی چون درختان یا قصرها یا ابر و یا حالتی در روز استفاده می‌کند که سبب ایجاد "سایه" می‌شود. در اصطلاح سینما نور نرم softlight همه‌کاره‌ترین نور برای فیلم‌برداری در لوکیشن است که سطح گسترده‌تری را پوشش می‌دهد. نور باز (پخش) broad light به طور یکنواخت روی موضوع پخش می‌شود اما خیلی نرم نیست. در نورپردازی سینمایی کمال مطلوب این است که مجموعه نورها ترکیبی باشد از نورهای نرم و ملایم و نورهای جهت‌دار و تند (ویلیام تاکر، ۱۳۹۲: ۲۲۵). به این منظور فیلم‌برداری بعضی صحنه‌ها و همچنین تکنیک عکاسی که از شاخه‌های سینماست، در طول روز به هنگام وجود سایه به صورت طبیعی یا با استفاده از چتر فیلم‌برداری که در تصویر شماره ۱ قابل ملاحظه است صورت می‌گیرد. چنانکه موسوی در کتاب آموزش نورپردازی در عکاسی چنین آورده است: «برای تاباندن نوری

کارکرد تکنیک‌های نورپردازی سینمایی در آیات قرآن کریم ... ۱۶۷

ملایم، با کتراست کم، نرم و یکنواخت از چترهای مخصوص نورپردازی استفاده می‌کنیم» (موسوی، ۱۳۹۳: ۲۱).



تصویر ۱: چتر مخصوص نورپردازی

در صحنه‌های بهشتی نیز آنگونه که از آیات برمی‌آید نوری نرم بر فضا حاکم است و خبری از نور مستقیم آفتاب نیست، چنانکه در سوره انسان اینگونه بیان شده: (مُنَكِّبِينَ فِيهَا عَلَي الْأَرْئِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا) (الانسان: ۱۳) در آن بهشت بر تخت‌های خویش تکیه زنند در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی. ذیل این آیه اشاره به اعتدال کامل هوای بهشت است. طبری در تفسیر این آیه، فیلتری را که باعث ایجاد سایه در بهشت می‌شود درختان بهشتی می‌داند؛ نه اینکه خورشید و ماه در آنجا وجود نداشته باشد، بلکه با وجود سایه‌های درختان بهشتی تابش ناراحت‌کننده خورشید وجود ندارد. (رک: طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۳۲/۲۹) و در آیه بعد از همین سوره این‌گونه ذکر شده است: (وَدَائِبُهُمْ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذَلِيلًا) (الانسان: ۱۴) و سایه‌های درختان به آنان نزدیک است و میوه‌هایشان برای چیدن رام. و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ) (المرسلات: ۴۱) اهل تقوا در زیر سایه‌ها و بر کنار چشمه ساراند. در این آیه برخی مفسران تعبیر به "ظلال" (سایه‌ها) را اشاره به سایه درختان بهشتی و یا سایه قصرهای بهشتی می‌دانند (رک: طوسی، بی تا: ج ۲۳۴/۱۰) و همه این‌ها نشان می‌دهد که در آنجا آفتابی وجود دارد ولی نه آفتابی آزار دهنده. و همچنین در آیه: (وَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ إِذَا سَأَلُوا فَاسْتَجِبَ) (الواقعه: ۳۰) و سایه‌ای پایدار. بعضی این سایه گسترده را به حالتی شبیه بین الطلوعین تفسیر کرده‌اند که سایه همه جا را فرا گرفته

است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴/۶۱) غرض این است که حرارت آفتاب هرگز بهشتیان را متالم و ناراحت نمی‌کند، و دائماً در سایه‌های مطبوع و گسترده و روح‌افزا به سر می‌برند. از واژه "ظل" در این آیات که در توصیف صحنه‌های مربوط به بهشت است، اینگونه برداشت می‌شود که نوری نرم، زیبا و ملایم بر فضا حاکم است نه شدید و زننده است و نه سرد و بی‌روح، استفاده از این واژه در واقع تمهیدی است که باعث می‌شود بهشتیان از تابش مستقیم و شدید آفتاب در امان باشند. در دانش سینما اگر روشنایی پس زمینه background illumination از بالا و به وسیله نور اصلی ایجاد شده باشد بیشترین قابلیت کنترل را دارد، آنچه از صحنه‌های بهشت در قرآن کریم آمده است نیز مصداقی از همین جهت نورپردازی است، چنانکه منبع اصلی نور در این صحنه‌ها خورشید است -هرچند غیر مستقیم- که از بالا محیط "بهشت" را احاطه می‌کند.

اما راجع به اینکه چرا قرآن کریم در مورد صحنه‌های بهشت از منبع نور خورشید مستقیماً بهره نگرفته است و واژه "ظل" یا "سایه" را به میان آورده است. در نورپردازی سینما و عکاسی پس‌زمینه‌هایی با رنگ خاکستری بی‌دردسرتین پس‌زمینه‌ها هستند زیرا کمترین مشکلات نورپردازی را ایجاد می‌کنند. اما پس‌زمینه‌های سیاه یا سفید می‌توانند باعث بروز مشکلات نوردهی شوند و در پس‌زمینه‌های رنگی نیز باید در انتخاب آنها دقت شود تا ترکیب رنگی سوژه با آنها تقویت شود نه تخریب (موسوی، ۱۳۹۳: ۳۲). در تصویر شماره ۲، طیف نور در طول روز و شرایط جوی به نمایش گذاشته شده است:



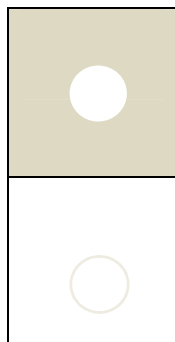
تصویر ۲: طیف نور در طول روز و شرایط جوی

همانطور که ملاحظه می‌شود نور نیمه روز به هنگام تابش مستقیم آفتاب، نسبت به اوایل روز یا نور غروب، بسیار به نور سفید نزدیک‌تر است. چون سفید رنگ اصلی نور خورشید است و وقتی تمام نور تابیده شده به اشیاء به چشم ما بازتاب کند، آن اشیاء سفید دیده می‌شوند.

سایه، رنگ خاکستری را در ذهن خواننده تداعی می‌کند و در مفهوم مجازی عموماً به عنوان نشانی از عنایت و توجه یا محلی برای آرامش و فراغت به کار برده شده است. لذا قرآن کریم نیز از واژه "ظل" یا "سایه" بهره می‌گیرد تا بدین طریق بتواند افزون بر القاء مفهوم آرامش به خواننده، توازن و تناسب نورها را در صحنه به نمایش بگذارد. چنانکه در توصیف بسیاری از این صحنه‌ها از اشیایی که نور سفید دارند بهره می‌گیرد. آنجا که می‌فرماید (يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ / بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ) (صافات: ۴۵- ۴۶) با جامی از باده ناب پیرامونشان به گردش در می‌آیند / باده‌ای سخت سپید که نوشندگان را لذتی خاص می‌دهد. این نوشیدنی زلال که با صفت "بیضاء" "سفید" آمده است لذت زیادی برای آشامنده آن دارد. شیره سفید کافور نیز که گیاهی زیبا و معطر است به رنگ سفید است، معنای خنکی را به ذهن می‌آورد که با نور سفید بی‌ارتباط نیست: (إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا) (الانسان: ۵) همانا نیکان از جامی نوشند که آمیزه‌ای از کافور دارند. رنگ حوریان بهشتی نیز سفید است: (وَحُورٌ عِينٌ / كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ) (الواقعه: ۲۲- ۲۳) و حوران چشم درشت / مثل لؤلؤ نهران میان صدف. واژه حور جمع حوراء و "الحور" به معنای سفیدی شدید است (ر.ک: صاحب، ۱۴۱۴: ج ۳/۲۰۱). در این آیه اساس تصویر هنری صحنه و نورپردازی آن، بر تشبیه استوار است. همانند کردن حوریان به مروارید که نوعی درخشش و تابندگی از خود ساطع می‌کند در حور توجه است. لؤلؤ تنها دربردارنده رنگ نیست بلکه مشتمل بر صفات صفا و پاکی و آرامش است. «احساس به زیبایی زن که به ذات بشر برمی‌گردد با زیبایی مروارید پنهان که خود لذت‌بخش است تفاوتی ندارد». (سید قطب، ۱۹۸۰: ص ۴۶)

بنابراین قرآن کریم با چیرگی و اوج هنرمندی در زمینه نورپردازی صحنه‌های بهشت، نور پس‌زمینه را با استفاده از واژه "ظل" به رنگ خاکستری برمی‌گزیند تا بتواند نور سفید ساطع از "کأس" و "کافور" و "حور" و "لؤلؤ" را در صحنه به نمایش بگذارد و اینگونه مخاطب را مقابل طیفی از نورهای سفید و درخشان قرار دهد. چرا که رنگ خاکستری محمل خشی و مناسبی برای کم یا زیاد کردن اثر رنگ‌های دیگر به شمار می‌آید (طباطبایی،

۱۳۷۱: ۴۳). اگر منبع اصلی نور یعنی خورشید بدون استفاده از سطوح پراکنده‌ساز استفاده می‌شد آنگاه نور پس‌زمینه سفید بود و توصیف این اشیاء در دکور بهشتی با مشکل مواجه می‌شد. در تصاویر ۳ و ۴ زیر می‌بینیم که جلوه و نمود اجسام سفید در پس‌زمینه خاکستری ملموس‌تر است:



تصویر ۳. نمایش جسم در پس‌زمینه خاکستری، تصویر ۴. نمایش جسم در پس‌زمینه سفید

همانطور که ذکر شد در صحنه‌های بهشت "خورشید" که از منابع نور قوی و شدید به شمار می‌آید با بهره‌گیری از فیلترهای سایه‌ساز به نور "نرم" مبدل شده است. در نورپردازی سینمایی نور نرم اساساً خسته‌کننده و ملال‌آور است و ما با دیدن فیلمی که تماماً با استفاده از نور نرم فیلمبرداری شده باشد خوابمان خواهد گرفت. یک فیلمبردار برای نجات دادن این گونه صحنه‌ها که منبع اصلی آن نوری ملایم و سرد است چند منبع نوری دیگر را هم دخالت می‌دهد که ضمن نرم بودن اندکی هم جهت‌دار باشد. بنابراین چهره یا لباس هنرپیشه یا عوامل دکور دیگر را به گونه‌ای صحنه‌آرایی می‌کند که چشم تماشاگر دچار خستگی و خواب‌آلودگی نگردد.

در نورپردازی صحنه‌های بهشتی نیز که با نور نرم "سایه" همراه است، انعکاس رنگی از اشیاء موجود در صحنه کمک شایانی به حل ملال‌آور بودن صحنه می‌کند. چنانکه گویی واژه‌های (لؤلؤ، کأس، کافور، حور و...) یک لامپ یا آبژووری است که در صحنه نمایان است. در واقع می‌توان آن را "نور برجسته‌نما" نامید. بر همین اساس پروردگار حکیم با بهره‌گیری از انعکاس رنگ در لباس و چهره مومنان و دیگر اجسام موجود در دکور صحنه، بهشت را که محل آرامش و شادی است با رنگ‌هایی چون سبز و سفید و آبی رنگ‌آمیزی کرده و به حل این مسئله می‌پردازد.

چنانکه سبزی لباس‌ها و فرش‌های بهشتی و روکش پشته‌های آن را به زیبایی به تصویر می‌کشد: (أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا) (کهف: ۳۱) آنانند که بهشت‌های عدن به آنها اختصاص دارد که از زیر قصرهاشان جویبارها روان است. در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند و جامه‌هایی سبز از پرنیان نازک و حریر سبتر می‌پوشند در آنجا بر سریرها تکیه می‌زنند. چه خوش پاداش و نیکو تکیه‌گاهی. در این آیه شاهد چندین طیف نوری برخاسته از انعکاس زیباترین رنگ‌ها از جمله رنگ آبی موجود در جویبار هستیم که آرام‌ترین و متین‌ترین رنگ‌هاست. و نیز رنگ سبز در آیات: (مُتَّكِنِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبَقَرٍ حِسَانٍ) (الرحمن: ۷۶) بر بالش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند. و (عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُندُسٍ خُضْرٍ) (الانسان: ۲۱) بهشتیان را جامه‌های ابریشمی سبز و دیبای سبتر در بر است. رنگ سبز نماد حیات، جاودانگی، ایمان و کمال است و بهشت محل جاوید و خانه‌ی قرار و آرامش است (محمدی حسن آبادی، ۱۳۹۳: ۸۹). قرآن کریم در توصیف بهشت، نوشیدنی‌ها، همسران و دکور بهشتی با در هم تنیدگی رنگ‌ها در نورپردازی صحنه، مخاطب را مقابل طیفی از نورهای متفاوت و البته زیبا و درخشان قرار می‌دهد که در اوج لطافت روشنی پاک و صفا باشد و این یک عامل روان‌شناسانه برای ترغیب انسان‌ها به انجام اعمال نیک و دوری از گناه است که قرآن از آن بهره برده است. چنانکه موقعیت مکان و کم و کیف منابع گوناگون نوری در خدمت غنای بصری بخشیدن به صحنه هستند و جهات نورپردازی را توجیه کرده و به میزان و سطح نور در روی صحنه کمک کرده‌اند.

۳.۵ صحنه‌های دوزخ و کافران

نشان دادن صحنه‌های ترس و وحشت در قالب شعر، نقاشی، فیلم، موسیقی و غیره می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود زندگی انسان داشته باشد. تقریباً در تمام صحنه‌های مربوط به دوزخ و احوال کافران که در قرآن کریم بیان شده است، "آتش" منبع اصلی نورپردازی است: (تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً) (الغاشیة: ۴) ناچار در آتشی سوزان درآیند. (عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ) (البلد: ۲۰) بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد. (فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى) (اللیل: ۱۴) پس شما را به آتشی که زبانه می‌کشد هشدار دادم. (سَيَصَلَّى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ) (المسد: ۳) به زودی در آتشی پر زبانه درآید. در این صحنه‌ها توسط تداخل رنگ‌های مهاجم و پرخاشگری مانند قرمز،

نارنجی و زرد که تشکیل دهنده نور آتش هستند هماهنگ با موضوع نورپردازی شده است. این رنگ‌ها سیستم اعصاب را تحریک کرده و ضربان قلب را نیز تشدید می‌کند (ر.ک: مالیکه ویچ، ۱۳۷۰: ۳۲). بنابراین می‌توان گفت رنگ‌های زرد و قرمز و نارنجی برخاسته از نور آتش تداعی‌کننده گرما و حرارت آتش جهنم است.

در آیات مذکور و امثال آن شدت نور نیز تعیین می‌شود. در همه این آیات سخن از سوزنده و پرزبانه بودن آتش است که بیانگر شدت نور آن است، مانند آیه: (كَلَّا إِنَّهَا لَلظِّي) (معارج: ۱۵) نه چنین است. آتش زبانه می‌کشد. "الظِّي" به معنی شعله خالص آتش است، و یکی از نام‌های جهنم نیز می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴۰)، این شعله پیوسته زبانه می‌کشد و هر چیز را در کنار و مسیر خود می‌یابد می‌سوزاند. و نیز واژه "سقر" در آیه: (سَأْصَلِيهِ سَقْرًا) (مدثر: ۲۶) زودا که او را به سقر در آورم. سقر به معنی دگرگون شدن و ذوب شدن بر اثر تابش آفتاب است، سپس به عنوان یکی از نام‌های جهنم انتخاب شده است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۱۴)، و کرارا در آیات قرآن آمده، و انتخاب این نام اشاره به عذاب‌های هولناک دوزخ است که دامان اهل خود را می‌گیرد، بعضی از مفسران نیز آن را نام یکی از طبقات و درکات هول‌انگیز دوزخ دانسته‌اند (ر.ک: میدی، ۱۳۷۱: ج ۱۰/۲۸۵). در آیات بعد از همین سوره آمده است: (لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ) (مدثر: ۲۹) پوست‌ها را سیاه می‌گرداند. کلمه "لَوَّاحَةٌ" از مصدر تلویح است که به معنای دگرگون کردن رنگ چیزی به سیاهی است (ر.ک: ابن درید، ۱۹۸۸: ج ۱/۵۷۱) و بعضی گفته‌اند به سرخی. و کلمه "بشر" جمع بشره است، که به معنای ظاهر پوست بدن است. یکی از خصوصیات سقر در این آیه است که رنگ بشره بدن‌ها را دگرگون می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳۸/۲۰). آن چنان چهره را سیاه و تاریک می‌کند که سیاه‌تر از شب تاریک است: (كَانَّمَا أَغْشِيَتْ وَجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (یونس: ۲۷) گویی چهره‌هایشان با پاره‌ای از شب تاریک پوشیده شده است آنان همدم آتشند که در آن جاودانه خواهند بود.

در نورپردازی صحنه‌های جهنم نیز همانند صحنه‌های بهشت از واژه سایه استفاده شده است اما در این آیات منظور از سایه فیلتر پخش‌کننده نور نیست که از شدت گرما و حرارت آفتاب جلوگیری می‌کند بلکه منظور از سایه "دود" حاصل از آتش است که در فضای جهنم پراکنده شده است: (لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ) (زمر: ۱۶) آنها از بالای سرشان چترهایی از آتش خواهند داشت و از پایشان نیز طبق‌هایی آتشین

است. (انْظُرُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ) (المرسلات: ۳۰) بروید به سوی آن دود سه شاخه. یعنی بروید بسوی آتشی که برای آن سه شعبه است آن را ظل و سایه نامید برای سیاهی آتش جهنم و دوزخ. بسیاری از مفسران از جمله ابوحنیفان ظل در این آیه را دود جهنم دانسته‌اند (ر.ک: ابوحنیفان، ۱۴۲۰: ج ۳۷۷/۱۰) که از سه طرف احاطه به کفار دارد شعبه‌ای از بالای سر و شعبه‌ای از سمت راست و شعبه‌ای از سمت چپ. و دود را ظل و سایه نامیده چنانچه فرمود (أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا) (الکهف: ۲۹) یعنی از دود غلیظ سیاه به آنها احاطه نمود. "سرادق" دودی است که کافران را قبل از ورودشان به آتش احاطه می‌کند. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۷۱۹/۲)

ممکن است تعبیر به "ظل" (سایه) این تصور را ایجاد کند که در آنجا سایه‌ای وجود دارد که از سوزندگی شعله‌های آتش اندکی می‌کاهد، ولی خداوند سبحان در آیه (لَا ظَلِيلٌ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ) (المرسلات: ۳۱) نه سایه‌دار است و نه از شعله آتش حفاظت می‌کند؛ بر این پندار غلط خط بطلان می‌کشد و می‌فرماید: این سایه هرگز سایه‌ای که شما تصور می‌کنید نیست، سایه‌ای است سوزان و خفقان‌آور، و برخاسته از دودهای غلیظ آتش که می‌تواند گرمای شعله‌ها را کاملاً منعکس کند. شاهد این سخن آیات سوره واقعه است که درباره اصحاب الشمال می‌فرماید: (فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ وَ ظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ لَا يُبَارِدُ وَ لَا كَرِيمٍ) (الواقعه: ۴۲-۴۴) در میان باد گرم و آب داغ و سایه‌ای از دود تار نه خنک و نه خوش. بله در جهنم نیز سایه است اما سایه دودی گسترده و خفه‌کننده که هیچ خنکی ندارد. (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۳۴۶۵/۶)

استفاده از دود و فیلترهای مه‌ساز یکی از عوامل نورپردازی در سینماست. تأثیر دود بر منابع نوری و همچنین بر سطوحی که نور بر آنها می‌تابد به مراتب بیشتر از فیلتر است (مالیکه ویچ، ۱۳۷۰: ۱۳۶). بنابر این سایه حاصل از دود بسیار تیره‌تر از سایه‌ای است که به صورت نرم و شفاف در بهشت پراکنده شده است، در این هنگام مقیاس نوردهی بر اساس میزان انعکاس دود در هوا تعیین می‌شود. چنانکه پیش‌تر ذکر شد رنگ خاکستری در کل رنگ ملایم و آرامی است و اگر نزدیک به سفید باشد شادی‌آفرین، و چنانچه نزدیک به سیاه باشد غم‌انگیز به نظر می‌آید (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۴۳).



تصویر ۵: نمایه آتش و دود حاصل از آن

همانطور که می‌دانیم و در تصویر ۵ پیداست، از آتش دودی تیره و تار برمی‌آید که فضای بالای آتش را تاریک و دودآلود می‌کند. در اینجا رابطه‌ی تقابلی نور و سایه، جملگی به صورت یک واحد انرژی نورانی در یک جا متمرکز می‌شوند که آن نور به نوبه‌ی خود مجموعه‌ای ترکیبی از همه‌ی آنها خواهد بود. لذا پروردگار متعال برای نورپردازی صحنه‌های هولناک جهنم از شعله‌های آتش و دود سیاه برخاسته از آن استفاده می‌کند. در عرصه‌ی سینما به ندرت فیلمبرداری پیدا می‌شود که نسبت به فهم و ادراک بصری بیننده از محتوای فیلمنامه به چنین ادراک والایی دست یافته باشد. این چنین نمایش صحنه دلیل بر قاطعیت و حتمیت وقوع آن است که اینگونه به وضوح خواننده را به احاطه‌ی عمیق و دقیق و آگاهانه از موضوع می‌رساند.

اما در خصوص نورپردازی چهره‌ی جهنمیان و لباس آنها نیز اشاراتی در آیات قرآن کریم آمده است. همانطور که پیشتر ذکر شد نورپردازی چهره در سینما از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است چرا که نورپردازی چهره‌ی بازیگر گرایش عاطفی تماشاگر را در جهت مثبت یا منفی هدایت می‌کند؛ به همین دلیل با نور می‌توان چهره را خسته، رنجور، شاد، ترسناک، جنایتکار، مهربان و پیر یا جوان نشان داد. آیات زیر همگی دلالت بر این نوع نورپردازی در صحنه‌ی جهنم دارند: (سَرَابِلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ) (ابراهیم: ۵۰) تن پوشهایشان از قطران است و چهره‌هایشان را آتش می‌پوشاند. (فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ) (الحج: ۱۹) و کسانی که کفر ورزیدند جامه‌هایی از آتش برایشان بریده شده است و از بالای سرشان آب جوشان ریخته می‌شود. (تَلَفَّحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ) (المومنون: ۱۰۴) آتش چهره‌ی آنها را می‌سوزاند و آنان در آنجا ترش رویند. (تصویر شماره ۶)



تصویر ۶: تجسم چهره سوخته جهنمیان

جهت نور؛ عقب یا جلو بودن نور و شدت آن نیز می‌تواند نتیجه‌ای متفاوت در نورپردازی خلق کند. می‌دانیم همانطور که خورشید و ماه از بالا نورپردازی می‌کنند آتش معمولاً از پایین نور خود را منتشر می‌کند و این آیه نیز گواهی بر همین گفته است: (وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ وَقُفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) (الانعام: ۲۷) و ای کاش منکران را هنگامی که بر آتش عرضه می‌شوند می‌دیدید می‌گویند: ای کاش بازگردانده می‌شدیم و دیگر آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مومنان می‌شدیم و «نور پایین برای نمایش جلو و وحشتناک یا القای یک منبع رئالیستی نور مثل اجاق است» (بوردل و تامسون، ۱۳۹۳: ۱۶۶) و همچنین است آیات: (يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ) (القمر: ۴۸) روزی که در آتش به رو کشیده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: لهیب آتش را بچشید و احساس کنید. (وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ) (نمل: ۹۰) و هر کس بدی به میان آورد به رو در آتش دوزخ سرنگون شوند آیا جز آنچه می‌کردید سزا داده می‌شوید. گاهی نیز شراره‌های آتش از سمت بالا بر سر جهنمیان فرستاده می‌شود و از بالا نور خود را منتشر می‌کند (يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ) (الرحمن: ۳۵) بر سر شما شراره‌هایی از نوع تفته آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد و از کسی یاری نتوانید طلبید. اما غالباً این نور از همه طرف آنان را احاطه می‌کند: (لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ) (زمر: ۱۶) آنها از بالای سرشان چترهایی از آتش خواهند داشت و از پایشان نیز طبق‌هایی آتشین است. (لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ) (الانبیاء: ۳۹) کاش آنان که کافر شده‌اند می‌دانستند آنگاه که آتش را نه از چهره‌های خود و نه از پشتشان باز نمی‌توانند داشت و خود مورد حمایت قرار نمی‌گیرند چه حالی خواهند داشت. (يَوْمَ يَعْسَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ) (عنکبوت: ۵۵) آن

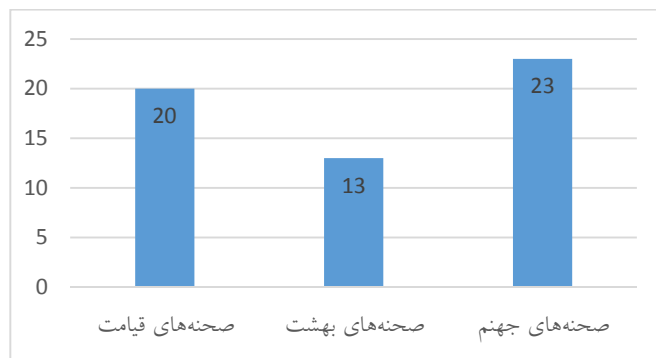
روز که عذاب از بالای سر آنها و از زیر پاهایشان آنها را فرو گیرد و خدا می‌فرماید نتیجه آنچه را می‌کردید بچشید.

بنابراین از آنچه در خصوص صحنه‌های بهشت و جهنم گفته شد برمی‌آید که نورپردازی در صحنه‌های جهنم تلفیقی از نورهای؛ زرد، قرمز و نارنجی برخاسته از آتش و رنگ سیاه یا خاکستری تیره حاصل از دود آتش است و طبیعی است که صحنه‌ای با چنین نورپردازی سبب هول و وحشت و ایجاد رعب در انسان می‌شود در حالی که صحنه‌های بهشت تلفیقی از رنگ خاکستری روشن و شفاف و انعکاس نور در رنگ‌هایی چون سفید و سبز و آبی است که همه از رنگ‌های شاد هستند و انسان به سبب آنها نوعی امنیت و آرامش را در نهاد خود احساس می‌کند. کنار هم گذاری دو صحنه مشابه با نورپردازی‌های متفاوتی که در صحنه‌های مربوط به بهشت و جهنم خواندیم، گویای همین مطلب است: (تصویر شماره ۷)



تصویر ۷: نورپردازی متفاوت بهشت و جهنم در دو صحنه مشابه

در پایان شایان ذکر است بر اساس آمار و بررسی‌های صورت گرفته در تمامی آیات قرآن کریم، به این نکته دست یافتیم که صحنه‌های جهنم و احوال کافران در آن بیش از باقی صحنه‌های پس از مرگ نورپردازی شده است. بسامد نورپردازی در صحنه‌های پس از مرگ را در نمودار زیر به نمایش می‌گذاریم:



بسامد نورپردازی در صحنه‌های پس از مرگ در قرآن کریم

لازم به ذکر است که در آمار فوق، آیاتی را که به یک شکل، چندین بار در سراسر قرآن تکرار شده‌اند یک مورد به شمار آورده‌ایم. شاید بسامد بالای نورپردازی در صحنه‌های جهنم دلیلی بر تاکید بیشتر و هشدار جدی‌تر برای آدمیان باشد تا آنان را از اعمال نادرست بازدارد و توجه‌شان به اعمال نیک افزون گردد.

۶. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی نورپردازی سینمایی صحنه‌های پس از مرگ در قرآن کریم، این‌گونه نشان می‌دهد که:

- نورپردازی در قرآن کریم نقش بسیار عمده‌ای در فضا سازی متناسب با مفاهیم و انتقال معانی به مخاطب دارد. اصلی‌ترین انگیزه نورپردازی صحنه‌های قرآنی برانگیختن شور و هیجان مخاطب و ملموس ساختن این صحنه‌هاست که گاهی با استفاده از مؤلفه‌هایی همچون تشبیه و تجسیم و تخیل در تصویر سازی این صحنه‌ها نقش بسزایی دارد.
- از آیات دربردارنده صحنه‌های قیامت این‌گونه پیداست که نورپردازی در این صحنه‌ها با بی‌نور شدن ماه و خورشید در آستانه این رستاخیز عظیم از روشنایی به سمت تاریکی می‌گراید، و فضای کلی حاکم بر آن به رنگ تیره است که با متلاشی شدن کوه‌ها و پراکنده شدن ذرات آن غبارآلود نیز می‌شود. بخش مهم نورپردازی در صحنه‌های قیامت برخاسته از توصیف چهره انسان‌ها در این روز است که در پرتو

متفاوتی از نورها تعریف شده است و در توازن و تناسب نوردهی صحنه تاثیر بسزایی دارد. چنانکه خداوند سبحان در این فضای تیره چهره مومنان را به رنگ سفید و درخشان و بی غبار و چهره کافران را به رنگ تیره یا کبود توصیف کرده است.

- از آیات مشتمل بر صحنه‌های بهشت و احوال مومنان نیز این‌گونه برداشت می‌شود که منبع اصلی نور در این صحنه‌ها خورشید است که با فیلترهایی چون درختان و قصرهای بهشتی به نور نرم مبدل شده است. این سایه که به رنگ خاکستری نمایش داده می‌شود بی‌دردسرتترین رنگ برای نور پس زمینه در نورپردازی سینمایی است چرا که در این نور می‌توان نورهای روشن‌تر به رنگ سفید و درخشان چون "لؤلؤ" و "حور" و رنگ‌های سبز و آبی "درختان و نهرهای بهشتی" را نمایش داد.

- از آنچه در آیات دربردارنده صحنه‌های جهنم و احوال کافران نیز آمده است اینگونه برداشت می‌شود که منبع نور در این صحنه‌ها آتش است که با رنگ‌های سرخ و زرد و نارنجی تداعی کننده گرما و حرارت آتش جهنم و فضای هولناک آن است. شدت نور آتش را نیز می‌توان در واژگانی چون "الظی / سقر / ذات لهب / حامیه / مؤصده" ملاحظه نمود که از همه جهت بر کافران احاطه دارد. واژه "سایه" که در آیات مربوط به جهنم آمده است با سایه بهشتی بسیار متفاوت است؛ این سایه در جهنم برخاسته از دود آتش است که بسیار قوی‌تر و تیره‌تر از سایه بهشتی است. در حالی که سایه بهشتی به رنگ خاکستری روشن و شفاف، شادی‌آفرین و القاکننده مفهوم آرامش و امنیت است.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند (۱۳۹۳). چاپ دوم، تهران: پیام عدالت.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸). *جمهره اللغه*، چاپ اول، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰). *البحر المحیط فی التفسیر*، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱). *تهذیب اللغه*، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- براون، بلین (۱۳۹۱). *نورپردازی سینما و ویدیو*، مترجم: رضا نبوی، تهران: نشر افکار، چاپ اول.

کارکرد تکنیک‌های نورپردازی سینمایی در آیات قرآن کریم ... ۱۷۹

بوردل، دیوید و کریستین تامسون (۱۳۹۳). هنر سینما، ترجمه فتاح محمدی، تهران: نشر مرکز، چاپ یازدهم.

حیاتی، زهرا (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی رویدادهای داستان در روایت ادبی و سینمایی، مقایسه داستان آشغال‌دونی و فیلم دایره ینا»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۸ (۱)، ۷۱-۹۸.
راغب، عبدالسلام احمد (۱۴۲۲)، وظیفه الصورة الغنیة فی القرآن الکریم، حلب: فصلت للدراسات والترجمة والنشر.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
زمخشری، محمود (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
سید قطب (۱۹۸۰). التصویر الفنی فی القرآن الکریم، الطبعة السادسة، قاهره: دار الشروق.
سید قطب (۱۴۱۲). تفسیر فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت: دار الشروق.
صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴). المحيط فی اللغة، محقق و مصحح محمدحسین آل یاسین، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب.

طباطبایی، غلامرضا (۱۳۷۱). فصلی در نور و رنگ، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز تحقیقات و مطالعات سینمایی، چاپ سوم.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان: موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ اول، بیروت: دار المعرفه.
طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق احمد قصیر عاملی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
گروتر، یورگ کورت (۱۳۹۳). زیبایی شناسی در معماری، تهران: کتاب آبان.

لوته، یاکوب (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما، ترجمه امید نیک فرجام، تهران: مینوی خرد، چاپ دوم.

مالیکه ویچ، کریس (۱۳۷۰). نورپردازی در سینما، ترجمه احمد وخشوری، تهران: انتشارات برگ، چاپ اول.

محمدی حسن آبادی، فیروزه (۱۳۹۳). «رویکرد نشانه شناختی به مفهوم رنگ و کاربست آن در قرآن کریم»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۳ (۱)، ۷۷-۹۲.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
موسوی، سید میثم. آموزش نورپردازی در عکاسی، ۱۳۹۳/۶/۵، <http://ketabesabz.com/book/18481>

۱۸۰ پژوهش‌های علم و دین، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

مبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عاء الأبرار*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
ویلیام تاکر، شون (۱۳۹۲). *راهنمای نورپردازی*، ترجمه شهرام نجاریان، تهران: سمت، چاپ سوم.